



زلف پریشان

عاشقانه های مجید سلطانی

مقدمه

با سلام

بنده مجید سلطانی هستم در زمینه اهنگسازی مهندسیه صدا و ترانه سرایی فعالیت می کنم.

کتاب پیش رو حاصل چندین سال ترانه سرایی در سبک پاپ و فعالیت هنری بنده می باشد که تقدیم نگاه پر مهر شما خوبان می گردد.

به رسم ادب کمال تشکر و قدردانی را به جا می اورم اولاً از شما هنر دوستان عزیز و همچنین از دکتر محسن صادقی مسعودصیقلی وحید امیدی و دوست عزیزم میلاد زارع جهت همراهی و هم فکری و سپاس و قدر دانی فراوان از خانواده عزیزم بابت محبت های بی پایانی که نسبت به بنده دارند

اشعار ذیل بر گرفته از عمق احساس و هنر بوده و تمامی اشعار و ترانه ها با اهنگسازی های فاخر و نه صرفاً مارکتی با صدای خوانندگان مختلفی به سمع و نظر شما هنر دوستان فرهیخته رسیده امید که مورد پسند واقع بشود.

سیزدهم مرداد سال یک هزار و چهارصد

مجید سلطانی

زلف پریشان

درمان دردم

ارام جانم

ای یار شیرین

شیرین زبانم

حلوای نابم ای شاه خوبان

بر ما نظر کن ای ماه تابان

زلف پریشان تو قبله ی ایمان من

در دل من ریشه کن تازه شود جان من

دنیا

نگاهت سمت من محکوم باشد

دو دستت با دو دستم گیر باشد

همین باشه توهم باشی و من هم

همه دنیای من باشی و همدم

همه دنیای من

دو چشمت جان من

همه زیبای من

دل و دلدار من

با من چه کردی منو دیوونه کردی

من بیمارمو تو تو دوی دردی

فکر تو

یجوری عاشقتم من

که مثل اون دیگه نیست

یجوری تنگ میشه دلم

که گونه هام میشه خیس

تو مال من مال تو

تو فکر من فکر تو

تو میگذری از عشقمون

من هر روز عاشق تر بتو

ماه من

توبه نکنم هرگز زین جرمی که من دارم

زان کس که کند توبه زین واقعه بیزارم

مجنون ز غم لیلی چون توبه نکرد ای جان

صد لیلی و صد مجنون در سینه نگه دارم

من بی سر و پا عاشق

هم زارم و هم بیمار

در آتش چشمانت

زین قصه گرفتارم

تو لیلی و من مجنون

محکوم و بدهکارم

توبه نکنم هرگز

زین جرمی که من دارم

دلتنگی

دلتنگی بینمونه

جدایی سهممونه

تو این شبای سرد و تاریک

عاشقی جرممونه

دستای من و تو جدا شدش از هم

خیس میشه چشمام هر شب از غم

تو این شبای سرد و تاریک

خدایا نگیر عشقمو از من

تنگ میشه دلم برای دستات

یادم نمیره اشکا و حرفات

گفتی که نگم از غم و جدایی

حالا که تنهام این روزا کجایی

قرار نبود

دستام بیتو سرده

شعرام کلا تلخه

از روزی که رفتی از خونه

دلتنگم بیتو پر خونه

قرار نبود بیتو تنها بمونم

قرار نبود هر شب از تو بخونم

قرار نبود چشمام خیس بشه هر شب

قرار نبود که بری بسمه برگرد

طفلی دلم

تو نداشتی حسی به من

تو فقط میخواستی برم

تو نداشتی ابرویی

برای طفلی دلم

تو میگفتی برنمیگردم

برای دیدن اشکات

تو میگفتی بر نمیگردم

هنوزم یادمه حرفات

دلبر نامی

وصف این همه خوبیه تو کار لغت نیست

ماه اسمان به روشنی هم چو رخت نیست

من در طلب تو گشته ام نصف جهان را

یک عمر عیان نکردم این حس نهان را

عشق است و سراسیمگیه بدون حدش

دریاست و طوفانشو موج و جذر و مدش

ای دلبر من عشق تو پنهان نتوان کرد

عشقت عاقبت اشک دو دیده ام روان کرد

ای که از من دل میبری

گویی از من عاشق تری

دستان تو سهم منه

در فراقم اسوده ای



هواتو کردم

هوا تو کردم ای بهترینم

دلنگتم من ای نازنینم

هواتو کرده این دل خستم

نباشی پیشم از دنیا خستم

ارومه دلم با یاد تو

میسوزه دلم باز واسه تو

اشوبه تو دلم واسم چاره کن

اروم میگیرم باشم کنار تو

عشق ابدی

قسمتی از داستان عشق شور انگیز ماست
این حکایت ها که از فرهاد و شیرین کردند!
هیچ مژگان دراز و عشوه ای جادو نکرد
آنچه آن زلف دراز و چشم رنگین کردند
ساقیا می ده که با حکم عزل تعبیر نیست
قابل تغییر نبود آنچه که تعیین کردند
ساقیا دیوانه ای چون من کجا در بر کشد
دست به دست همراه تو دنیا رو غمگین کردم

جذاب

یه برقی داره اون چشمت

که بی اندازه جذابه

شبییه تو اگه باشه

میدونم خیلی نایابه

کسی که سمت تو میره

نمیشه از تو برگرده

تو اینقدر مهربونی که

همین جذاب ترت کرده

چشمات

دستام تو دستاته

قصه ی عشقمون رنگ چشماته

تنها امیدم به حرفاته

وجود من سپر درداته

تنها دلیل عاشقیمی تو

تنها امید زندگی تو

کنار تو ارومم

تو بهترینی خانمم

چشمات کشته منو

همیشه عاشقمو

هی ناز میکنیو

قلبمو از جاش میکنیو

امروز زندگیمی تو

تنها دلیل عاشقیمی تو

کنار تو ارومم

تو بهترینی خانمم

سال بیتو

از تو دورم عید و اما

با منی تو قلبو سینم

بگذره صد سالم حتی

تو میدونی من همینم

آخر اون روزو میبینم که

با خودت هفت سینو میچینم

از تو دورم عید و اما

کم نمیشه از امیدم

دوستت دارم

مگه میشه یه لحظه نباشی کنار من؟

میدونم تو گرفتاریام به یادتم

هرچی خوبی کردی بدی بود جواب من

فقط میخوام ببخشی منو دلتنگتم

دوستت دارم تمام عشقیو احساس منی

دوستت دارم تو جانیو همه جانان منی

دوستت دارم دیگه نمیخوام ازت جدا بشم

دوستت دارم



زلف پریشان

عاشقانه های مجید سلطانی